

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه نور (جله دوم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۹۵/۱/۲۵

هر کسی هر حاجتی در ذهنش هست در نظر داشته باشد و مطمئن باشد به برکت سوره نور برآورده می شود.
برای این که خداوند به واسطه سوره مبارکه نور، حقایق را در ما جاری نماید، صلواتی عنایت فرماید.

سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱)

این سوره، تنها سوره‌ای است که خداوند به صراحت می فرماید که ما آن را فرستادیم و فرض هم کردیم که در آن آیات بیناتی هست که ذکر را در ما فعال می کند.

چند سوره باعث فعال شدن مسیر ذکر می شود که عبارتند از سوره‌های مبارکه: اعراف، ص، نور، قاف.

در این میان هم سوره‌های مکی (ص) وجود دارد و هم سور مدنی (نور)، که این نشان می دهد جاری شدن ذکر خدا از مسیرهای مختلفی اتفاق می افتد.

خاصیت سوره مبارکه نور، جاری شدن ذکر در انسان است.

ذکر یعنی هوشیاری؛ به صورتی که فرد از حالت گیجی در بیاید.

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُشْهِدُ عَدَّابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲)

آدم انتظار دارد وقتی سوره‌ای قرار است جریان ذکر را پیاده کند، درباره خدا و پیغمبر سخن بگوید اما به خلاف انتظار ما، احکام اجتماعی مطرح می شود. یعنی می خواهد بگوید از طریق اجرای حدود نیز، ذکر جاری می شود.

در همین آیه چند امر و نهی وجود دارد: فاجلدوا؛ لاتأخذ؛ و ليشهد.

الرَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (۳)

وقتی یک جمله خبری با امر و نهی همراه می‌شود، یعنی قانون مطرح می‌کند و لذا از آن امر و نهی در می‌آید.

مثلا می‌فرماید: مرد زناکار جز با زن زناکار ازدواج نمی‌کند. پس هر که به این امر خلاف دست زد، جنس‌اش از گناه است و جنس ایمان با این موضوع سنجیت ندارد.

کافر و أخوینش نجس هستند. أخوین کافر، سگ و خوک هستند. جنس کافر، جنس سگ و خوک است.

در قرآن هم داریم که مشرک نجس است.

باید بدانیم که برخی گناهان، فرد را به نجاست مبتلا می‌کند. البته اگر کسی این عمل را انجام داد اما توبه کرد دیگر نجس نیست.

انسان به میزان خبیث شدنش، لایق خبیث می‌شود. هر کس می‌خواهد شوهرش طیب و طیب‌تر شود، خودش طیب‌تر شود. هر کس ازدواج نکرده، خودش را طیب کند.

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۴)

إِلَّا الَّذِينَ تَأْتُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۵)

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ (۶)

وَالْخَامِسَةُ أَنْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۷)

وَيَذَرُوهَا عَنْهَا الْعَذَابُ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ (۸)

وَالْخَامِسَةُ أَنْ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۹)

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ (۱۰)

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْأَفْكَ عَصَبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۱)

لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ (١٢)

لَوْ لَا جَاءَ وَعَلَيْهِ بِرَبِّعَةِ شَهَدَاءٍ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشَّهَدَاءِ فَأَوَّلَتْكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ (١٣)

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (١٤)

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّئًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ (١٥)

وَلَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ (١٦)

يَعْظُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (١٧)

وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (١٨)

إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (١٩)

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ (٢٠)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَا كَانَ اللَّهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (٢١)

وَلَا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِيُغْنُوا وَيُصْنَفَحُوا أَلَا تَحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (٢٢)

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (٢٣)

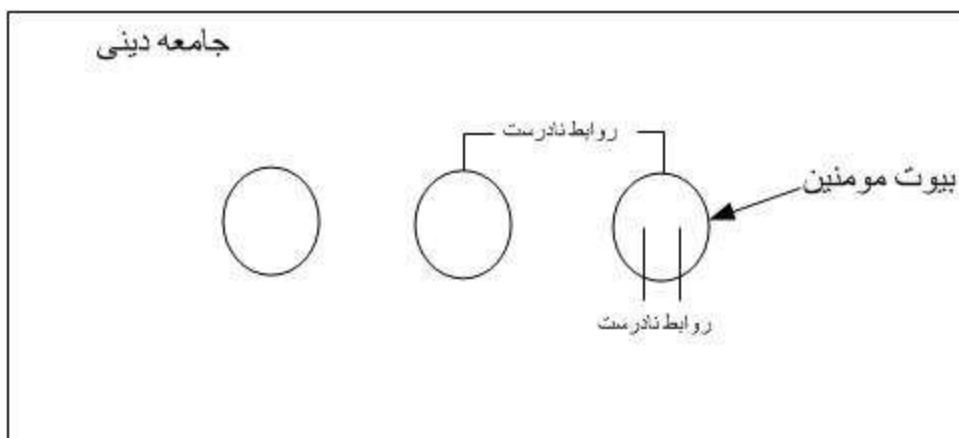
يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (٢٤)

يَوْمَئِذٍ يُوقِفُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ (٢٥)

ما جوامع دینی و غیردینی داریم. در جوامع دینی، بیوت مومنین داریم و اصل بر این است که هر که در این جامعه هست، مسلمان است. احکامش، احکام مسلمان است و بازارش هم، بازار مسلمان است.

جامعه دینی حرمتی دارد که فضا را دینی می کند زیرا در این جامعه، اصل بر اسلام است.

اگر در خانه ها و نیز در بین خانه ها روابط نادرست شکل بگیرد، سیمای جامعه زشت می شود. و اگر با این زشتی برخورد درستی انجام نگیرد، شیطان از آن بهره برداری خواهد کرد.



این روابط نادرست توسط افراد مختلفی (مومنین واقعی، مومنین ضعیف الایمان، شیطان و ابلیس و دشمنان) در جامعه دیده می شود و هر کدام به نوعی با آن برخورد می کنند.

مومنین واقعی:

به شرط تحقق شروط آن، حدود را اجرا می کنند. آن هم بی کم و کاست و بدون تردید و بدون رأفت. مومن حقیقی بدون هیچ اعتنایی، کارش را در اجرای حدود انجام می دهد و با این کار جلوی سوءظن را می گیرد حتی در مورد آن ها که در معرض تهمت هستند.

مومنین ضعیف:

در اجرای حدود رأفت به خرج می دهند. شایعه می کنند و سوءظن دارند.

کسی که روابط نادرست دارد، سه حالت دارد:

۱. کارش به اجرای حدود می کشد.
۲. کارش به اجرای حدود نمی کشد.. (توصیه هم نشده تا برود و اقرار به گناه کند!)
۳. اساسا به آن ها تهمت زده اند.. اگر دست و پا بزند، سیمای جامعه زشت تر می شود لذا نوعا در این مورد به سکوت دعوت شده است.

ترجیح بند همه حرف ها این است که اگر فضل خدا نبود، چه و چه می شد!

در هر حالتی، فضل خدا شامل یک جامعه دینی آسیب‌زده هم می‌شود. پس توزود از کوره در نو..یادت باشد که همه چیز دست خدا است و فضل خدا شامل حال این جامعه آسیب‌زده می‌شود.

این اشتباه است که به دلیل اشکالاتی که در جامعه دینی وجود دارد، افراد به سمت جوامع غیردینی می‌روند. در جامعه دینی جابجایی اشکال ندارد؛ اما ترک جامعه دینی توصیه نشده است.

حتی توصیه نشده افراد متمکن انفاق‌شان را درباره افراد فقیری که درباره‌شان شایعاتی وجود دارد قطع کنند. حق سوءظن نداریم و اگر مستحق هستند باید به آنها کمک کنیم. حتی اگر افرادی از فقرا که خودشان کاری انجام می‌دهند که سوءظن نسبت به آنها هست، افراد متمکن نباید پشت آنها را خالی کنند.

افراد جامعه وقتی خودشان به اجتهاد می‌رسند و در اجرای حکم، نظرات خودشان را بر شرع مقدم می‌دارند، جامعه به سمت نامتعادل شدن می‌رود که این به دو علت است:

اولا مردم احکام شرعی را نمی‌دانند و عُرفی عمل می‌کنند.

ثانیا یا احکام را اجرا نمی‌کنند یا نسبت به احکام مختلف، حساسیت‌های بی‌جا نشان می‌دهند. (افراط و تفریط)

تا چیزی را می‌بینند، به آن برچسب می‌زنند! حتی روی احکام شرعی هم حساسیت‌شان مضاعف می‌شود.

از دلایلی که مشخص می‌شود که باید حکومت، مردمی باشد؛ سوره مبارکه نور است.

حکومت نمی‌تواند دستگاهی و از بالا به پایین باشد. باید مردمی باشد و احکام از دل و جان انجام شود.

باید حکومت تشکیل شود و در رأس آن امام / فقیه حقیقی قرار گیرد تا حدود اجرا گردد. در حکومت شاهنشاهی نمی‌توان اجرای حدود کرد.

اگر یک نفر بگوید سوره‌ای می‌خواهم که برایم طهارت خیال بیاورد و خیالم در کنترل خودم باشد و ذهنم هر جایی نرود و آلوده نشود؛ یکی از بهترین سوره‌ها، سوره مبارکه نور می‌باشد؛ چون از هر طرف بخواهید خیالتان را درباره کسی رها کنید که بر اساس ظواهر، ریگی به کفش او هست. خدا می‌گوید که حق نداری چنین کنی!

از هر طرفی که وارد شوی، خیال را محدود کرده است.

اغلب اختلافات (۹۹درصد) بخاطر آلوده بودن فضای خیال است.

شاید زن یا شوهر اشتباهی هم مرتکب شده باشند اما دامنه این اشتباه در فضای خیال بیست برابر می شود که نهایتاً به برخورد زنده‌ای منجر می شود.

اگر جامعه‌ای نتواند خیال خود را کنترل کند، در معرض خطوات شیطان قرار می گیرد.

اصل بر این است که شما فکر نکنی که موضوع بدی اتفاق افتاده است.. آن را خیر بدان! و نه بد.

این مطلب مهم است نه سکوت کردن؛ شاید که بهانه‌ای باشد برای تعمیق روابط.

ذهن در مسائل غریزی و جنسی به شدت بافندگی دارد. اگر کسی درباره مسایل جنسی بتواند خود را به طهارت برساند قطعاً به مقام صدیقین می رسد.

خدا در فضاهاى غریزی و جنسی با شرط کنترل آن، رحمت و خیر بسیار زیادی قرار داده است.

اگر کسی در مسایل غریزی کنترل خود را بالا ببرد، نسبت به همه چیز کنترل پیدا می کند.

صحنه‌های محرک، در لایه خیال (دچار غفلت شده) فعال می شود و شروع به تولید غفلت می کند.

خانم‌ها در این زمینه، قدرت خیال‌پردازی شان بسیار بیشتر است.

اثر دیدن صحنه‌های محرک در خانم‌ها ده‌ها برابر بیشتر از آقایان است.

خیال زن به شهود متصل است و از لایه وهم عبور نمی کند لذا مستقیماً به شهود می رود و البته به همین خاطر قانت و حافظ می شود. چیزی که می بیند انگار همین الان حاضر است. برای همین هم خانم‌ها در دیدن این صحنه‌ها بر اساس اثری که روی خودشان دارد با آقایان برخورد می کنند..

آدمی که سوره را می خواند و می خواهد عمل کند، به طهارت می رسد. یعنی همین خواندن ترجمه آیات با نیت عمل به آن.

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ (۱۰)

خدا تصویربرداری می کند و سیمای کربیه جامعه دینی را نشان می دهد.

جامعه دینی حتی اگر آسیب هم ببیند، فضل و رحمت خدا با اوست.

جامعه دینی آسیب دیده، به جامعه غیردینی سر تا پا تکنولوژی می‌ارزد؛ چون فضل خدا در آن جاری است.

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِإِفْكَ عُصْبَةٍ مِّنْكُمْ لَا تُحْسِبُوهُ شَرًّا لَّكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۱)

لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ (۱۲)

اگر چیزی درباره کسی گفتند، شما بگو من نمی‌دانم راست است یا دروغ! اشتباه می‌کنی.. باید همان موقع بگویی: هذا إفك مبين.

نباید بگویی می‌روم تحقیق می‌کنم. باید دروغ بودنش را بدیهی فرض کنی، چون خداوند چنین می‌گوید. در مقام نظر باید دروغ بودنش را بدیهی بدانی و با موضع گیری شفاف، جای شک و شبهه نگذاری.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات